

روزی که از شوهرم طلاق گرفتم؛ هیچگاه تصور نمی کردم سر از زندان در بیاورم

■ زن ۳۶ ساله‌ای است که به اتهام فعالیت در گروه‌های هکری و تبهکاری دستگیر شده بود، درباره سرگذشت تاسف بارش توضیحاتی ارائه داد.



ترکی صحبت می‌کردم، چرا که پدر و مادرم ترک بودند و من هم دوران کودکی ام را در آذربایجان گذرانده‌بودم.

خلاصه تصمیم خودم را گرفتم و راهی ترک شدم. حدود دو ماه در خانه مجردی مسولماز زندگی کردم. او دختر بسیار مهربانی بود و با آن که اوضاع مالی خوبی نداشت، اما با هم از نظر مالی و پرداخت بسیاری از هزینه‌ها به کمک می‌کرد. در همین روزها بود که شوهرم در جست و جوی من، به ترک آمد. من هم که عشق و علاقه او را نتوانم حد بدم، دیگر نتوانستم او را از خود دور کنم، به

تبهکاری می‌پرداختند. آن‌ها از طریق شگردهای اینترنتی پول‌ها را به کارت‌های اجاره‌ای می‌پرداختند و با دستگاه‌های پس‌زد در ترکیه جابه‌جا می‌کردند. وقتی فعالیت‌های خلافکارانه به چند استان در ایران گسترش یافت، شاهرخ برای مدیریت این شبکه هکری به ایران آمد و مشغول خرید و فروش زمین و کارخانه شد. من هم بعد از چند ماه وقتی دیدم خبری از شاهرخ نشد و او به تماس هایم بی توجهی می‌کرد تصمیم گرفتم بدون اطلاع شاهرخ به ایران بیایم و سرساز کار همسرم در بیاورم، در حالی که نمی‌دانستم توسط پلیس تحت تعقیب هستم و آن‌ها همه اعضای داخلی خارجی این باند هکری را زیر نظر دارند. خلاصه وقتی به ایران بازگشتم و محل سکونت شاهرخ را پیدا کردم، چند زن غربیسه را داخل خانه اش دیدم و وقتی فهمیدم او نه تنها به من خیانت کرده بلکه در این جا با زن دیگری نیز ازدواج کرده است. او که از دیدن ناگهانی من شوکه شده بود، مرا متک زده به طوری که صدای شکستن استخوانم را شنیدم. بعد از آن هم پلیس به سراغ مان آمد. در حالی که با صدها شاکی، رویه رو بودیم. بعد از اگر چه پشیمانم، امای کاش ...

این زندگی خفت بار خسته شده بودم که روزی یک ایرانی خیر به دادم رسید و مبلغی را برای اجاره منزل پرداخت کرد. بعد از آن بود که شاهرخ در یک شرکت گردشگری مشغول کار شد و مسیر زندگی ما تغییر کرد. او در این مدت با باندهای تبهکاری و قاچاقچیان انسان آشنا شد و به خرید و فروش غیرقانونی دلار روی آورد و به پول شویی پرداخت. طولی نکشید که کار و بیزنسهای او به برخی بستگانش راه تریه تریه آورد. او یک دفتر صرافی راه اندازی کرد و مدتی بعد در یک کلوب شبانه با گروه‌های هکر ایرانی آشنا شد. آن‌ها با افراد معتاد یا بی سواد که در ایران شناسایی می‌کردند به حساب‌های بانکی مردم دستبرد می‌زدند و در این گروه تلگرامی به فعالیت‌های

عمومی جرم می‌باز محاکمه ایستاد و ابراز پشیمانی کرد. فرشاد در برابر قضات گفت: مسن آن زمان وقتی عکس‌های مادرم را در خودروی فریدون پیدا کردم کنترل اعصابم را از دست دادم و سراغ او رفتم تا حقیقت را بشنوم، اما دادخوا را شروع کرد. منم گفت: هشت سال است در زندان هستم و روزهای بسیار سختی را گذراندم و تا پای چوبه دار رفتم. حلالم همه دارایی‌ام را از دست دادم، در خواست شد. قضات دادگاه هوشنگ را تبرئه کردند. حکم صادره در دیوان عالی کشور تأیید شد و فرشاد در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، اما توانست با پرداخت دیه به زندگی برگردد. منم این بار به لحاظ جنبه

دارم، ولی من جعل نکردم؛ فقط خودم را به جای فریدون معرفی کردم. بلدا نیز گفت: من در جریان نبودم پسرم مرتکب قتل شده است، اما چون مادر هستم بعد از قتل تصمیم گرفتم به او کمک کنم و دروغ بگویم، با پایان جلسه دادگاه قضات وارد شور شدند و منم را به قصاص و به خاطر سرت خورد و استفاده از سند مجعول به زندان محکوم کردند. بلدا نیز به خاطر اخفای ادله جرم به هفت سال زندان محکوم شد. قضات دادگاه هوشنگ را تبرئه کردند. حکم صادره در دیوان عالی کشور تأیید شد و فرشاد در یک قدمی چوبه دار قرار داشت، اما توانست با پرداخت دیه به زندگی برگردد. منم این بار به لحاظ جنبه

گفت: وقتی به سراغ فریدون رفتم و گفتم برای چه عکس‌های شخصی و لباس‌های مادرم را نگهداری می‌کنی. با عصبانیت به من جواب داد و گفت به من ربطی ندارد و اگر مسئله‌ای دارم با مادرم حل کنم. انقدر از این طرز حرف‌زدنش ناراحت شدم که تصمیم به قتل او گرفتم و او را با رافضاه کشتیم. بعد موضوع را به مادرم گفتم و متوجه شدم فریدون به مادرم نظر داشته است. هوشنگ که به اتهام جسد در دادگاه بود نیز گفت: مسن اتهام را قبول ندارم من گول خوردم و اصلا در جریان قتل نبودم. فرشاد و مادرش که به گفتند فریدون چند ماه است آن‌ها را سرساز کار گذاشته و من هم باور کردم و خواستم کمک‌شان کنم. اشتباه کردم قبول

قتل به خاطر عکس‌های مادر

از قتل این مرد را می‌شناختم. پژو ۴۰۵ را به مبلغ ۱۰ میلیون تومان از او خریدم، اما هنوز سند آن را به نام من نده بود. وقتی ماشین را از فریدون تحویل گرفتم در صندوق عقب ماشین با لباس‌ها و عکس‌های شخصی مادرم روبه‌رو شدم. من که شوکه و غیرتی شده بودم به سراغ فریدون رفتم. اما او گفت این ماجرا به من از تباطی ندارد. به همین دلیل با فریدون درگیر شدم و او را کشتیم و جسدش را به بیابان‌های حاشیه تهران بردم. به این ترتیب کفرخواست علیه منم صادر و پرونده برای رسیدگی به دادگاه سولاتی که مأموران پرسیدند او به بن بست رسید و مجبور به اعتراف شد. منم گفتم: من فریدون را کشتیم، قبل

داشتم. البته زمانی که شوهرم در خانه بود می‌آمدند. تا اینکه مدتی قبل فریدون گفت برای انجام کاری به خانه ما می‌آید. وقتی آمد متوجه شدم دروغ گفته است و کاری با من ندارد و فقط می‌خواهد مواد بکشد. من هم عصبانی شدم و گفتم مواد را که کشیدی از خانه من بیرون ببر. هوشنگ هم در خانه من بود. وقتی فریدون از روی عصبانیت به من فحاشی کرد هوشنگ با او دعوا کرد. کیسه‌ای روی سرش کشید و او را خفه کرد. بعد هم جسدش را بیرون برد و در بیابان رها کرد.

پلیس هوشنگ را بازداشت کرد، اما این مرد مدعی شد هیچ اطلاعی از قتل ندارد. او گفت: من با شوهرم بلدا دوست

ماشین مقتول در یک دفتر خانه سند زده شده است. باردیابی‌های انجام شده مشخص شد خودروی مقتول به صورت قول‌نامه‌ای به یک زن به نام بلدا فروخته شده است. بلدا احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت. او گفت: فریدون ماشین را چند ماه قبل به من فروخت و بعد من برای سند زدن اقدام کردم. من در جریان قتل او نیستم. وقتی تحقیقات گسترده‌تر شد این بار بلدا اعتراف کرد فریدون در خانه او و بدست شخصی به نام هوشنگ کشته شده است. او گفت: فریدون از دوستان شوهرم بود. شوهرم مدتی بود که به خاطر مواد مخدر در زندان به‌سرم می‌برد قبل از آن دوستانش به خانه ما رفت و آمد

گروه حوادث - پسری که بعد از دیدن عکس، در خودروی دوست پدرش او را به قتل رسانده بود، بعد از سال‌ها موفق به جلب رضایت اولیای دم شد و به لحاظ جنبه عمومی جرم ای میز محاکمه رفت. مأموران پلیس سال ۹۱ جسد مردی میان‌سال را در بیابان‌های اطراف تهران پیدا کردند که طبق نشانه‌های مرد خفه شده بود. با انتقال جسد به پزشکی قانونی تحقیقات برای مشخص شدن هویت قربانی آغاز و مشخص شد که نام او فریدون است. خانواده فریدون گفتند در جریان نیتند چه اتفاقی برای او افتاده، اما با طرح شکایتی خواستار رسیدگی به این پرونده شدند. چند ماه بعد مأموران متوجه شدند

گروه حوادث - این روزها با بالا رفتن قیمت گوشی‌های تلفن همراه، سرقت موبایل افزایش یافته و بازار مالخرها رونق عجیبی پیدا کرده است. تلفن همراه، وسیله مهم و ضروری است که امروزه استفاده از آن برای انجام امور روزمره لازم است و در اختیار تمام افراد جامعه است. از دانش آموزان گرفته که کلاس‌های مجازی خود را با استفاده از آن انجام می‌دهند تا افرادی که به دلیل مشغله‌های گوناگون مجبورند تنها با آن افراد خانواده را از طریق فضای مجازی ملاقات کنند. این روزها قیمت این وسیله

ساختگرفته باعث می‌شود جلوی این سرقت‌ها گرفته نشود مگر اینکه اقدامات پلیس، وزارت ارتباطات و فناوری و شرکت‌های سازنده هستند با هم همکاری کنند و وظایف خود را به درستی انجام دهند اصلا سرقت تلفن همراه اتفاق نخواهد افتاد. حالا که سارقان در کمین ما هستند بهتر است قبل از این که تلفن همراهمان به سرقت رود در زمان مکالمه با تلفن در خیابان تا هاندز فری استفاده کنیم و کمتر در سطح خیابان تلفن همراه را در دست بگیریم.

سامانه درخواست شما ثبت شد که تلفن همراه شما به سرقت رفته است می‌توانید شکایت کنید و بعد از این کار راه طولانی مراحل اداری شروع می‌شود. اما کارشناس انتظامی اظهار کرد: زمانی که تلفن همراه به سرقت می‌رسد باید در مرحله اول به اداره پلیس مراجعه کرد، پلیس به دفاتر پیشخوان دولت ارجاع می‌دهد و اقدامات لازم را انجام می‌دهد و دوباره شما را به کلانتری ارجاع می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت مقررات سخت، دست و پا گیر و خسته کننده را داریم. وی ادامه داد: مراحل شکایت

و در آن جا به مالخر می‌فروشیم و در آنجا قطعه قطعه می‌شود و بعضی از آن‌ها هم توسط پلیس کشف می‌شوند. بعضی از این تلفن‌های همراه هم مقصدی فراموشی دارند و به کشورهای همسایه انتقال داده می‌شود. یکی از خریداران اموال سرقتی که توسط پلیس دستگیر شده بود در پاسخ به سوال میزان سود آن‌ها از این کار به خبرنگار باشگاه خبرنگاران جوان گفت: تلفن‌های همراه سرقتی را می‌خریدیم و آن‌ها را به افغانستان انتقال می‌دادیم. برای مثال تلفن همراهی که به مبلغ دو میلیون تومان می‌خریدیم را با

خرید دوباره به آن‌ها مراجعه کرده اند. این فروشنده تلفن همراه کار سارقان را راحت می‌دانست به این شکل که بعد از سرقت تلفن همراه به خریداران اموال مسروقه مراجعه می‌کنند و قطعات را جدا می‌کنند و دوباره به فروش می‌رسانند. آمارهای موجود نیز این هشدار را می‌دهند که در خیابان باید بیشتر مراقب تلفن همراه خود باشیم تا توجه این افراد را برای سرقت تلفن همراه جلب نکنیم. سرهنگ موزد معاون مبارزه با سرقت پلیسی آگاهی ناچا کشور گفت: دو دسته از سارقان داریم، دسته

ضروری حسابی اوج گرفته که به گواه فروشنده‌گان، افزایش قیمت نسبت به چند سال گذشته سه تا چهار بوده و حتی در برخی از مدل‌ها این افزایش تا ده برابر نیز بوده است. این افزایش قیمت دلیلی شده تا توجه سارقان به این وسیله زیاد شود و سارقان نسبت به گذشته میل بیشتری پیدا کنند. سسری به یکی از بزرگترین مراکز خرید و فروش در تهران زدیم، فروشنده موبایلی گفت: بخش عمده‌ی خریداران کسانی هستند که تلفنشان به سرقت رفته است و به همین دلیل برای

نیاز مندیهای روزانه جزیره کیش

یک شرکت معتبر بازرگانی به ۲ نفر فروشنده آقاو خانم حرفه ای با تجربه و روابط عمومی بالا جهت تکمیل کادر فروش خود در فرودگاه کیش نیازمند است مزایا: حقوق +پورسانت +بیمه +ایاب ذهاب +حق مسکن

جهت کار در فروشگاه سبزیجات آماده طبخ به کارگر ساده خانم یا آقا نیازمندیم ساعت تماس: ۶ بعداز ظهر به بعد

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...

اصل کارت کیشوندی معصومه رسائی به شماره ۱۵۱۳۸۴/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

مفقودی

یک شرکت معتبر ساختمانی در زمینه های ذیل اقدام به جذب نیرو می نماید:

۱. مهندس اجرا (حداقل ۳ سال سابقه در زمینه اجرای ساختمان)
۲. انباردار (حداقل ۲ سال سابقه در زمینه امور انبارداری و نرم افزارهای مرتبط)

لطفا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۰۳۱۸۸۶۵۰۲ تماس حاصل فرمایند

استخدام

استخدام منشی

منشی جهت کار در دفتر املاک مورد نیاز است

شماره تماس: ۰۹۱۲۰۴۷۸۴۳۳

خدمات

فود فور کیش

سامانه آنلاین سفارش غذا

از رستورانهای جزیره کیش

وبسایت و اپلیکشن

www.F4k.ir

اصل الحاقیه قرارداد پیش فروش شماره ۹۶/۰۱/۵۱۵/۱ ک مورخ ۹۶/۰۱/۲۸ در خصوص واگذاری یک دستگاه آپارتمان مسکونی به شماره واحد H به مساحت تقریبی ۱۱۵ مترمربع واقع در طبقه یازدهم بلوک ۱۲ احداثی در پروژه مجتمع ستاره خرداد کیش فی مابین شرکت انبوه سازان نفیس کیش و خانم الهام حسین زاده اوره فرزند حبیب با کدملی ۰۰۷۹۵۰۱۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

کارمند اداری خانم

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است

متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند

ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر)

شیفت بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)

دو شیفت مجزا

یک شرکت معتبر بازرگانی به ۲ نفر فروشنده آقاو خانم حرفه ای با تجربه و روابط عمومی بالا جهت تکمیل کادر فروش خود در فرودگاه کیش نیازمند است مزایا: حقوق +پورسانت +بیمه +ایاب ذهاب +حق مسکن

تلفن: ۰۲۱۸۸۰۴۴۹۰۰

admin@irest.ir

خدمات تأسیسات، آب، برق، فاضلاب و تعمیرات ساختمان (کلی و جزئی)

با سابقه سال ها امور تأسیساتی در جزیره کیش

کمالی ۰۹۳۴۷۶۸۲۰۵۴

استخدام گرافیست

گرافیست آشنا با فتوشاپ و این دیزاین جهت کار در یک مؤسسه مطبوعاتی مورد نیاز است

متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند

تلفن هماهنگی: ۴۴۴۲۴۹۹۹

کارمند اداری خانم

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است

متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند

ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر)

شیفت بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)

دو شیفت مجزا

جهت کار در فروشگاه سبزیجات آماده طبخ به کارگر ساده خانم یا آقا نیازمندیم ساعت تماس: ۶ بعداز ظهر به بعد

به یک باریستا خانم یا آقا جهت کار در کافی شاپ نیاز مندیم

شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۳

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی تجاری،اداری، پروژه هاو ... با مه پاش های سرد - فوری

ضد عفونی

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷

شرکت شانددیز کیش